

در بعضی از مراکز سیاسی یا سیاسی - علمی امریکا گفته اند ما نمی خواهیم یک ژاپن اسلامی به وجود بیاید! ژاپن اسلامی یعنی شما. گفته اند نمی خواهیم بگذاریم ملت ایران از خود پیشرفت علمی نشان دهد. اینها حرکت ملت ایران را می بینند؛ این خودباوری را می بینند.

ادامه از صفحه ۱:

دو کلان روایت وفاق و تضاد در تحلیل اجتماعی، هریک جامعه را از زاویه ای متفاوت تبیین می کند. نظریه وفاق جامعه را کلی منسجم و یکپارچه می بیند که عناصرش در توافق با یکدیگر به سر می برند ولی نظریه تضاد، جامعه و تاریخ را سراسر به مثابه عرصه نزاع و کشمکش فهم می کند. البته جمع میان این دو نظر نیز در آراء برخی جامعه شناسان صورت گرفته است. با این توضیح که وفاق و تضاد از بی هم و در کنار هم معنا می یابند. تضاد، موتور پیش برنده تاریخ است. وفاق هم اگر در صورت و در ظاهر مشاهده می شود در زیر خاکسترش آتشی از تضاد روشن است. فهم وجود تضاد در تاریخ قدم اول خودآگاهی تاریخی است. قدم بعد آن است که نیروهای متضاد و حق و باطل در میان آنها تشخیص داده شود. مکاتب مادی با طرح تضادهایی چون تضاد کارگر و سرمایه دار، تضاد تمدن ها و از همه مضحک تر، تضاد توسعه یافته ها و تروریست ها! سعی می کنند تا توجه انسان را از تضادهای واقعی منحرف کنند. درک وحیانی از تاریخ، بنیانی ترین تضاد را تضاد میان حق و باطل، شرک و توحید، پیامبر و شیطان و آخرت خواهی و دنیاخواهی می دانند.

حزب الهی پیش از آنکه به خداوند ایمان بیاورد به طاغوت کفر می ورزد. (من یکفر بالطاغوت و یومن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی) فلذا عبادتی مانند نماز برای او نفی طاغوت است و از این حیث دلالتی کاملاً سیاسی دارد. نماز او قیام است. (اقم الصلوه) حجاب برای زن محجبه حزب الهی

تنها وسیله ای برای ایجاد مصونیت و اجرای احکام شرعی نیست بلکه نفی حکم طاغوت و دهن کجی به خواسته شیطان است. حزب الهی بودن نوعی مبارزه دائمی است. حزب الهی بودن آمیخته با نوعی خودآگاهی تاریخی و احساس تکلیف است، شاید حزب الهی در معنای مصطلح و رایج آن در جامعه، بر ساخته ای مربوط به دوران انقلاب اسلامی و پس از آن باشد ولی نمی بایست فراموش کرد که پیش از اینها حزب الله واژه ای قرآنی است همان طور که حزب الشیطان واژه ای قرآنی است. همان طور که در قرآن میخوانیم: «لا ان حزب الله هم الغالبون» همان طور نیز می خوانیم که: «لا ان حزب الشیطان هم الخاسرون» البته اینکه چرا اصطلاح قرآنی حزب الشیطان، وارد زبان روزمره و گفتمان سیاسی و اجتماعی نشده پرسشی است که در جای خود جای تأمل دارد.

مسلك لیبرال دنیاخواهی فردگرایانه است و مارکسیست، دنیاخواهی جمعی. صوفی آخرت را در خانقاه فردی اش جستجو می کند ولی حزب الهی نه تنها آخرت خواه است بلکه آخرت را برای جامعه می خواهد. فلذا اهل گریز نیست اهل ستیز است. مهمترین عنصری که دینداری حزب الهی را از سایر دینداری ها متمایز می کند برائت و ولایت است. حزب الهی دریافته است که برای زیست مومنانه نمی توان نسبت به جامعه، قدرت و تاریخ خنثی بود. بدون برائت از باطل، حقیقت احیا

نخواهد شد. ایمان به خدا مستلزم قیام برای خدا و کفر به طاغوت است. البته برائت را نباید و نمی توان صرفاً مفهومی سلبی دانست. سلب و ایجاب مستلزم یکدیگرند. بدون سلب ایجابی صورت نمی گیرد و بدون ایجاب اساساً سلبی لازم نمی شود. سلب و ایجاب فعالیتی مستمر است. حزب الهی مدام در حال سلب و ایجاب است. مدام تخریب می کند و می سازد. مدام نو می شود و شاید به همین دلیل است که ما انقلاب

و انقلابی را در استمرار می دانیم. انقلابی کسی است که مدام در حال بازتعریف خود و تجدید کردن ایمان خویش است و این تجدید ایمان نیازمند مبارزه ای دائمی است، **حزب الهی، انقلابی است و از آموزه ها و احکام دین درکی انقلابی دارد.** اهمیت قیام برای مسلمان حزب الهی به واقعیت تاریخی تضاد باز می گردد چرا که تاریخ، با تضاد نیروهای درونی اش به پیش می رود **و حزب الهی ک سی است که جایگاه و رسالت تاریخی خود را در این تضاد و مبارزه دریافته است.**

کرداری و تنظیم:

و انقلابی را در استمرار می دانیم. انقلابی کسی است که مدام در حال بازتعریف خود و تجدید ایمان خویش است و این تجدید ایمان نیازمند مبارزه ای دائمی است، **حزب الهی، انقلابی است و از آموزه ها و احکام دین درکی انقلابی دارد.** اهمیت قیام برای مسلمان حزب الهی به واقعیت تاریخی تضاد باز می گردد چرا که تاریخ، با تضاد نیروهای درونی اش به پیش می رود **و حزب الهی ک سی است که جایگاه و رسالت تاریخی خود را در این تضاد و مبارزه دریافته است.**

کرداری و تنظیم:

رسول قیادی

منبع: vaigoon.blogfa.com

کارگردان قصد دارد به مخاطب نشان بدهد که دوستی و عشق، مرز و جغرافیا نمی شناسد، و ربطی به اینجایی یا آنجایی بودن ندارد. «رنجرو» و «الگ» را دوست دارد و اصلاً نمی فهمد «کمونیست» یعنی چه، و وقتی که مادرش بر اثر القانات برادر شوهرش - که از مهندسان روس نیروگاه زخم خورده است- از «رنجرو» می پرسد: «راستشو بگو، تو کمونیست شدی؟» «رنجرو» با سادگی معصومانهای می گوید: «نمی دونم، فقط می دونم پشت سرم یه خرده سفت شده!»

تنهای تنهای تنها را باید دید، و بیش از یکبار هم باید دید. می توان گفت که «عبدی پور» به خوبی از عهده نخستین کار بلندش برآمده و اگر بتواند با همین قوت به کار خود ادامه دهد، به احتمال زیاد در آینده او را در قامت یک کارگردان خلاق و موفق خواهیم دید.

TANHAMOVIE.IR

ابوالفضل حضرتی - کافه نقد



قلمهاگر در دنیا برای خدا و برای خلق خدابه کار بیفته مسلسلها کنار می رود. شما کوشش کنید که بایان وقلم مسلسلها را کنار بگذارید و میدان را به قلمها و به علمها و به دانشها و آگذار کنید. قلمها اگر در دنیا برای خدا و برای خلق خدابه کار بیفته مسلسلها کنار می رود و اگر برای خدا و برای خلق خدانباشد مسلسل سازی می شود. آن کسی قلمش قلم انسانی است که از روی انصاف بنویسد.

به نام خدا.

در آغاز مقاله سلام و درود می فرستم بر روان پاک شهیدان گران قدر هسته ای کشور و به مناسبت این موفقیت بزرگ تبریک عرض می کنم خدمت این شهیدان و خانواده های گرامیشان.

بی شک یکی از اصلی ترین دلایل این موقعیت ایران در مذاکرات هسته ای را باید تلاش های این عزیزان دانست؛ همان گونه که دکتر ظریف در بدو ورود به داخل کشور و در دیدار با خانواده های این شهیدان که برای استقبال از او به فرودگاه آمده بودند ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای هسته ای، موفقیت ایران در مذاکرات ۱+۵ را نتیجه مقاومت و ایستادگی مردم ایران و خون شهدای هسته ای کشورمان دانست و این عزیزان چقدر با فروتنی و به دور از هیچ گونه تعصب و نگرانی در مورد توافقات حاصله لوح تقدیری را به دکتر ظریف دادند که به نوعی هم سو و هم جهت بودن خود را با این حرکت به وجود آمده اعلام کنند

عده ای معتقدند که ما در این مذاکرات دویست کیلوگرم غنی سازی بیست درصد را دادیم و شش ماه دیگر برگ برنده ای برای مقابله با غرب نداریم ولی جالب است به این نکته هم توجه شود که برگ برنده ما در این مذاکرات علم غنی سازی اورانیوم بود نه فقط دویست کیلوگرم اورانیوم غنی شده!

مطمئناً همه میدانند که ایران هر زمانی که بخواهد می تواند اورانیوم بیست درصد غنی سازی کند پس جای نگرانی ای وجود ندارد و چه خوب است عده ای که میگویند همه چیزمان را دادیم به این نکته توجه کنند که همه چیز ما آن علمی است که در راه به

دست آوردنش هزینه دادیم.

یکی دو روز بعد از توافق هسته ای یکی از اساتید محترم دانشکده فیزیک دانشگاه خودمان سر کلاسش گریه کرد که چرا خون شهیدان هسته ای را نادیده گرفتیم؟ در حالی که به نظر من در این مدت بیشتر از هر وقت دیگری ارزش خون این عزیزان احساس شد.

چند سوال از این استاد عزیز:

آیا تحریم داروی بیماری های صعبالعلاج عزیزان زیادی را از این

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

عزیزمان تلاش کنیم.

به نظر من بهتر است مسیر رسیدن به این نقطه را بار دیگر مرور کنیم. دولت سید محمد خاتمی با حسن نیت نسبت به غرب غنی سازی را تعلیق کرد. اما پس از آنکه غرب به تعهدات خود عمل نکرد شخص سید محمد خاتمی در اواخر دولتش پلمپ را شکست و دستور داد غنی سازی از سر گرفته شود.

دولت محمود احمدی نژاد مقاومتی کرد که باعث پیشرفت های زیادی در زمینه هسته ای شد و این مردم

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

دست آوردنش هزینه دادیم.

همان طور که دیده

می شود در مسیر رسیدن به موفقیت حاصل شده هر سه دولت تلاش کردند که البته بر هر کدام نقدهایی وارد می شود ولی به نظر من بهتر این است که این مسیر را به جای تقسیم کردن به سه بخش مجزا تنها یک بخش بدانیم که وجود هر کدام برای رسیدن به اینجا لازم بود.

مسیری که بالا و پایین زیادی داشت و این ملت بودند که همیشه با حمایت خود از دولت، غرب را وادار به مصالحه کردند.

برخی تندروهای داخل کشور و آن خود عمار پنداران که ادعای بصیرت داشتند در این چند

روزه به قدری افراطی گرایانه موضع گیری کردند که مشابه آن موضع را فقط می توان در مواضع صهیونیست ها و اسرائیل پیدا کرد.

آیا جای نگرانی ندارد که مواضع عده ای در داخل کشور با دشمن دیرینه مادر منطقه یکی شده؟ که مطمئناً از آنجا هم سو بودن نظرات با صهیونیست ها را می توان توجیه کرد؟

و سوالات دیگری که شاید بهتر باشد قبل از انجام هر کار و یا هرگونه موضع گیری از خود استفاده کرده و با تکیه بر دیپلماسی قوی و استفاده از حد اکثر ظرفیت ها، اینبار دولت روحانی موفق شد بعد از چند سری مذاکرات فشرده به توافق نامه ای دست پیدا کرد که فارغ از هرگونه نقد یا تحسین در مورد مفاد آن باعث من وجود آمدن فضای امید و شادی در بین احاد ملت شد.

استاتوس ها و کامنت های موجود در فیس بوک و دیگر صفحات اجتماعی خود شاهدی بر این مدعا است.

محمود رضاجلیلی

چادری، لباس ملی ماست. یک چادری، پیش از آن که یک حجاب اسلامی باشد، یک حجاب ایرانی است. مال مردم ما و لباس ملی ماست.

از ریانات مقام معظم رهبری در دیدار گروهی از خواران برستان ۱۳۹۲/۲/۲۰



شاهراه

سال اول - شماره اول

۱۱ آذر ماه ۱۳۹۲

نشریه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی

سخن سردبیر

«ن والقلم و ما یستطرون».

شاهراه شرع را بر آسمان علم جوی مرکب گفتار پی کن چنگ در رفتار زن

در اولین سرمقاله این نشریه به تبیین نیازها، اهداف و خط مشی آن می پردازیم، زیرا که شناخت کامل هر موضوعی باعث کاهش هرچه بیشتر سوء تفاهم ها خواهد شد.

از دلایلی که باعث شد شاهراه در میان نشریات دانشگاه پدیدار شود، فضای مرزبندی شده در میان نشریات دانشگاه بود که یک نشریه دانشجویی (خصوصاً یک نشریه سیاسی) را ناخواسته مجبور می کرد که خود را به یکی از ۲ قطب سیاسی کشور متصل کرده و هیچ سخنی، حتی سخنان منطقی و کارآمد را از قطب مقابل انتشار ندهد.

به همین دلیل بر آن شدیم تا به دور از تمام این جناح بندی ها آن چه را که با مشورت مجربین این عرصه، نیاز دانشجو میدانیم به عرصه نشریات مکتوب دانشگاهی آورده، شاید بعد دیگری از اتفاقات روز بر فرهیختگان علمی روشن گردد.

زیرا که: «دانشگاه ها باید سیاسی باشند و دانشجو باید سیاسی باشد. معنای این حرف آن است که دانشجو باید قدرت تحلیل سیاسی داشته باشد تا جبهه بندی های دنیا را بشناسد؛ تا بفهمد امروز دشمن کجاست و از کجا و با چه ابزاری حمله می کند. این، برای شما لازم است. اگر شما تلاش سیاسی، کار سیاسی، مطالعه و مباحثه سیاسی نداشته باشید، این توانایی را پیدا نمی کنید. البته توجه داشته باشید که دشمن از همین امر استفاده نکند. دشمن با کمال هوشیاری ایستاده است. امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام فرمود: و من نام لم ینم عنه (۱)؛ مراقب باشید که اگر شما غفلت می کنید، دشمن از شما غفلت نمی کند. دشمن با کمال هوشیاری مراقب است.»

«رهبر معظم انقلاب»

۱- نامه ۶۲ نهج البلاغه.

دلگیرم از زمانه بیا
مهربان من

بر لب رسیده از غم ایام جان من
دنیا مرا به بند اسارت کشیده است
رنگ قفس شده همه ی آسمان من
عمرم به سر شد و نشدم آنچه
حواستی

باران شرم می چکد از دیدگان من
عشاق را به رنج و بلا آزموده اند
ای وای اگر «فراق» بود امتحان
من

دستی بگیر تا نرود نوکری ز دست
هجران تو بین که بریده امان من

شبگرد فاطمه، شب جمعه برای تو
شب های چارشنبه ی هفته از آن من
«یک شب به خاطر سفر کربلای
تو

یک شب به خاطر سفر جمرکان
من»

با خود ببر مرا سحر جمعه کربلا
تا تل زینبیه شوی روضه خوان من
با یک نگه برای دلم فتح باب کن
گردم فدائی تو، امام زمان من

گاهنامه

سیاسی، فرهنگی، اجتماعی

شاهراه

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر:

رسول قبادی

تارخا: shahrah.blog.ir

رایانامه: shahrah@chmail.ir

از اواخر ترم قبل گروه اندکی از دانشجویان در اقدامی هماهنگ درصدد اعتراض به غذای دانشگاه برآمدند. هرچند کیفیت غذای دانشگاه مشکلاتی دارد اما این عده آنقدر

در سیاسی کاری خود فرورفته بودند که قرار اعتراض را در شبی گذاشتند که غذا جوجه کباب بود! این در حالی است که غذاهای کم کیفیت تر از این غذا نیز وجود دارد.

حالا بگذاریم که غذای خود را خوردند و صرفاً ظرف آن را به زمین زدند و دانشجویان را به حمایت دعوت کردند ولی دانشجویان فقط تماشاگر آن‌ها بودند اما هدف اصلی متشنج کردن فضای دانشگاه در نزدیکی انتخابات بود که البته شکست خوردند. بعضی از همین افراد به دنبال تومار پر کردن علیه ریاست دانشگاه رفتند و شایعاتی را در اذهان ایجاد کردند که مدرکی هم از آن ندارند. به همین دلیل خود را موظف دیدیم تا به این سیاه نمایی‌ها پاسخ دهیم تا کسانی که به خاطر بعضی ضعف‌ها که بزرگ نمایی شده به امضای این به اصطلاح تومار پرداختند (و کمتر از ۷٪ نیز می‌باشند) از ماهیت قضیه آگاه شوند.

این گروه که درصدد تغییر گفتمان علمی دانشگاه به سمت درگیری‌ها و جنجال‌های

سیاسی هستند به شایعات زیر دامن می‌زنند: -کاهش هزینه پژوهشی دانشجویان؛ این در حالی است

که بودجه پژوهشی چهار میلیاردی در اختیار اساتید می‌باشد تا جهت طرح‌های پژوهشی خود و دانشجویانشان استفاده کنند. حال اگر اساتید محترمی مایل به استفاده از این بودجه برای طرح‌های علمی نبوده‌باشند بر او خرده گرفت.

تخلفات مالی: هر ساله حساب‌برسان مستقل با همکاری هیئت امنا به بررسی تقسیم بندی بودجه و موارد مصرف آن می‌پردازند که در صورت تخلف به ریاست دانشگاه اخطار داده می‌شود یا حتی باعث عزل می‌شود که در این ۸ سال این مشکل دیده نشده است.

-تعطیلی شورای صنفی که محلی برای مطالبات دانشجویی بوده است: علت اصلی بسته شدن این شورا نه تنها مسئولین دانشگاه نبوده بلکه خود افراد این شورا بودند که با برگزار نکردن انتخابات آن شورا باعث منحل شدن آن شدند این در حالی است که مسئولین دانشگاه بارها فرصت برگزاری انتخابات را به آن‌ها دادند. در کنار این نباید سیاسی کاری و انحصارطلبی این شورا و همچنین برگزاری اردوهای مختلط را از نظر دور داشت به طوری که ریاست سابق این

دانشگاه مانع برگزاری افطاری مختلط آن‌ها شد.

-جسته شدن نشریات منتقد: در این چند سال نشریات با عناوین

اعتراض جوجه کبابی

مختلف توسط یک گروه مشخص چاپ می‌شد و به ذکر شبهات مختلف می‌پرداخت مثلاً چاپ وصیت نامه یک کمونیست به عنوان الگو برای دانشجوی مسلمان! یا زیر سؤال بردن برخی احکام اسلامی مثل این شایعه که در اسلام حقوق زنان رعایت نشده باعث تعطیلی آن‌ها شده است.

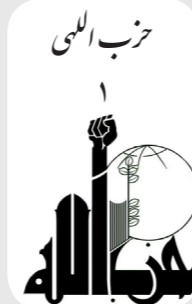
-فضای خفقان در دانشگاه و نبود آزادی بیان: تا به حال حتی یک نفر هم به خاطر صحبت‌هایی که در دانشگاه کرده تعلیق یا اخراج نشده است. درحالی که در صحبت‌های بعضی افراد در جمع دانشجویان از توهین به قانون اساسی و شخصیت‌های بزرگ کشوری تا توهین به نشریات و تشکل‌های دانشجویی دیده شده است.



- تعلیق شدن تعداد زیادی از

دانشجویان: تعداد تعلیقی‌های این هشت سال هشت نفر بوده است که در بین این هشت نفر هم افرادی هستند که به دلیل استفاده از مشروبات الکلی یا مواد مخدر تعلیق شده‌اند. مقایسه این میزان تعلیقی با دوران اصلاحات نشان از کاهش دانشجویان

رسول اکرم(ص): اما شاخه های حیا عبارتند از: نرمش، مهربانی، در نظر داشتن خدا در آشکار و نهان، سلامت، دوری از بدی، خوشرویی، گذشت، بخشندگی، پیروزی و خوشنامی در میان مردم، اینها فوایدی است که خردمند از حیا می برد. خوشا بحال کسی که نصیحت خدا را بپذیرد و از رسوایی خودش بترسد. تحف العقول ص ۱۷



تنهای تنها



در مسیر توافق



اعتراض جوجه کبابی



فرهنگ

در ساده ترین مواجهه و بی هیچ تعمق و انتزاع نظری، لفظ «حزب الهی» مرا به یاد گزینش سازمان های دولتی می اندازد که از متقاضی استخدام می خواهند نام چند نفر از حزب الهی های فامیل یا حزب الهی های محل را در فرم گزینش بنویسند. وقتی به این قسمت فرم می رسیدم بدون هیچ درنگی افرادی که در سپاه کار می کردند یا در مسجد و بسیج محل فعال بودند را قید می کردم. یکی دیگر از اقوام که اهل هیأت و برادر شهید هم هست را نیز می نوشتم. از میان دوستان نیز آنهایی را که افرادی دغدغه مند و فعال در امور سیاسی و فرهنگی و اجتماعی بودند

ذکر می کردم. اما بسیاری از افراد دیگر را می شناختم که متدین و مومن و اهل رعایت احکام شرع بودند ولی هنگام پر کردن فرم های مذکور، حزب الهی قلمداد نمی شدند.

اما چرا آنها با اینکه اهل تدین و رعایت احکام شرع بودند حزب الهی قلمداد نمی شدند؟ حزب الهی و متدین چه نسبتی با یکدیگر دارند؟ می توان چهار نسبت میان این دو مفهوم فرض کرد.

الف) شاید برخی به نسبتی این همانی میان حزب الهی و متدین قائل باشند و هر آن کس را که اهل تدین باشد حزب الهی بدانند.

ب) ممکن است این طور پنداشته شود که مفهوم عامی به نام تدین وجود دارد که قسمی از اقسام آن، حزب الهی ها هستند (و لابد برخی متدینین هم هستند که حزب الهی نیستند). با این نگاه تفاوتی میان حزب الهی و سایر متدینین وجود ندارد. همه متدینین، متدین اند چه حزب الهی باشند و چه غیر حزب الهی. مهم همین است که همه آنها اهل دیانت و رعایت احکام شرع اند. حزب الهی بودن یا نبودن، فرع داستان است.

ج) تلقی سوم، حزب الهی بودن را چیزی فراتر از متدین بودن تعریف می کند. گویی حزب الهی کسی است که از تدین

صرف فراتر رفته است و چیزی اضافه تر از سایر متدینین دارد. در این نگاه، حزب الهی کسی است که به تدین و رعایت احکام شرع بسنده نمی کند و علاوه بر اهل دیانت بودن به معنای عام، در نسبتی که با امر سیاسی برقرار می کند از سایر متدینین تمایز می یابد. در این رویکرد، دیگر حزب الهی بودن، فرع بر تدین نیست بلکه نوعی فراروی از تدین عام و اصالت دادن به بعد سیاسی و اجتماعی در هویت دینی فرد است. از تعریف اول (این همانی حزب الهی و متدین) که بگذریم در دو تلقی دیگر، حزب الهی، فردی است که هم اهل دیانت است و هم اهل سیاست.

اما آیا در این دو رویکرد، سیاست و دیانت دو امر جدا از هم فرض نمی شوند؟ گویی حزب الهی واجد هویتی دویارچه است که بعدی از وجودش دیانت ورزی اوست و بعد دیگرش سیاست ورزی. ناگفته پیداست که در این دو رویکرد نوعی تلقی سکولار از نسبت دین و سیاست نهفته است.

ما به صرافت طبع و مثلاً هنگام پر کردن همان فرم های گزینش! در می یابیم که تلقی «حزب الهی = متدین» قابل پذیرش نیست و «حزب الهی = متدین + دغدغه مندی سیاسی و اجتماعی» (چه اصالت را به تدین بدهیم و چه اصالت را به دغدغه مندی سیاسی) در دام سکولاریسم می افتد.

د) اما نسبت چهارمی نیز میان این دو مفهوم وجود دارد. حزب الهی نه تنها همان متدین نیست، بلکه «متدینی که سیاست ورزی هم می کند» نیز نیست بلکه حزب الهی بودن از اساس تجربه دینی و دین ورزی متفاوتی است. حزب الهی بودن نوع دیگری از دینداری است. حتی نماز و روزه حزب الهی با نماز و روزه یک فرد متدین در معنای عام متفاوت است. دیانت

و سیاست برای او دو حیطه مجزا و دو وظیفه بی ربط نیست. عزاداری عاشورا که برای یک فرد متدین نوعی انجام مناسک و احساس تقرب است برای حزب الهی معنای دیگری دارد.

ادامه در صفحه ۲

حزب الهی ها

تلقی «حزب الهی = متدین» قابل پذیرش نیست و «حزب الهی = متدین + دغدغه مندی سیاسی و اجتماعی» (چه اصالت را به تدین بدهیم و چه اصالت را به دغدغه مندی سیاسی) در دام سکولاریسم می افتد.